

معرفی اصطلاح‌نامه منطق و تأملی در آن

عسکری سلیمانی امیری

چکیده

گسترش علوم و گوناگونی اطلاعات، بشر را واداشته تا امکانات علمی‌ای فراهم آورد که اطلاعات، سریع و دقیق برای جویندگان به دست آید. یکی از این نوع امکانات دایرةالمعارف‌نگاری است، و دیگری اصطلاح‌نامه‌نویسی؛ تا در آن، ساختار و هندسه یک علم و نیز جایگاه یک اصطلاح در ساختار آن علم و روابط آن با اصطلاحات دیگر روشن شود. در این مقاله، اصطلاح‌نامه منطق معرفی می‌شود و با تأمل در کاستی‌های آن پیشنهادهایی ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها:

اصطلاح‌نامه، اعم، اخص، مترادف، نمایش الفبایی، نمایش نظام‌یافته، نمایش ترسیمی، نمایش درختی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیش درآمد

اصطلاح‌نامه منطق، بخشی از یک پروژه بزرگ اصطلاح‌نامه جامع علوم اسلامی است که از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی در سال ۱۳۸۱ به همت مؤسسه بوستان کتاب قم چاپ شده است. این مجموعه به همت واحد اصطلاح‌نامه علوم اسلامی، و به مسئولیت محمد رحمانی و با همکاری آقایان قربان محمد احمدی، حسین حسین زاده، علی رحیمی، سید حسین سیدی و مرتضی متقی نژاد و با نظارت آقای محمد هادی یعقوب نژاد به انجام رسیده است.

چیستی اصطلاح‌نامه

اصطلاح‌نامه، ترجمه واژه Thesaurus است و بنابر تعریف، به مجموعه اصطلاحات استاندارد شده در یک حوزه معرفتی گفته می‌شود که فهرستی از واژه‌های کلیدی و کاربردی آن حوزه را ارائه می‌دهد و روابط سلسله‌مراتبی، مترادف و وابستگی بین مفاهیم را به نمایش می‌گذارد، و از نظر ساختاری، گنجینه واژگان کنترل‌شده و سازمان‌یافته از مباحث خاص دانش بشری است.

چکیده کردن اطلاعات و ذخیره‌سازی آنها، به ویژه در رایانه‌ها، و بازیابی سریع آنها در عصر انفجار اطلاعات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. برای دسترسی سریع به اطلاعات ذخیره شده، نیاز به کلیدواژه‌هایی مناسب است. این کلیدواژه‌ها باید با واژه‌های اطلاعات ذخیره شده هماهنگ و سازگار باشد تا بتوان به سادگی به اطلاعات مورد نیاز دست یافت. انتخاب مناسب کلیدواژه‌ها ممکن نیست جز با تسلط بر مجموعه اطلاعات حوزه مورد کاوش. از این روی، برای دستیابی به کلیدواژه‌های مناسب، بهترین روش، بهره‌گیری از اصطلاح‌نامه‌هاست. محض نمونه، در حوزه دانش منطق برای جمع‌آوری و ذخیره‌سازی اطلاعات منطقی لازم واژه‌هایی را به کار می‌بریم که از طریق آنها می‌توان به اطلاعات مورد نظر دست یافت. داشتن یک اصطلاح‌نامه مناسب در دانش منطق به ذخیره‌سازی اطلاعات و دستیابی سریع به آنها از طریق انتخاب کلیدواژه‌های مناسب کمک می‌کند. افزون بر اینکه اصطلاح‌نامه فایده‌های فراوان دیگری از قبیل نشان دادن روابط منطقی مصطلحات مختلف، مانند رابطه عام و خاص و وابسته و رابطه مترادف و غیره دارد.

ساختار اصطلاح‌نامه منطق

شاکله کلی «اصطلاح‌نامه منطق» از سه بخش تشکیل شده است:

۱. نمایش الفبایی اصطلاحات؛
۲. نمایش نظام‌یافته اصطلاحات؛

۳. نمایش ترسیمی اصطلاحات.

پیش از توضیح این سه بخش، لازم است علایم اختصاری این اصطلاح‌نامه را مورد توجه قرار دهیم؛ زیرا در معرفی اصطلاح‌نامه منطق مفید است.

«بک» = «به کار ببرید». واژه یا عبارتی که پس از «بک: ...» می‌آید، اصطلاح راجح در آن علم است و اصطلاح مورد بحث در سطر یا چند سطر قبل، مرجوح در علم است.

«بیج» = «به کار ببرید به جای». واژه یا عبارتی که پس از «بیج: ...» به کار می‌رود، اصطلاح مرجوح در علم است و اصطلاح مورد بحث در سطر یا سطرهای پیش از آن، اصطلاح راجح است. برای نمونه می‌بینیم:

کلیات پنج‌گانه

بک: کلیات خمس

قضیه موجهه

بیج: موجهات

«ا.ع» = «اصطلاح اعم». هرگاه واژه یا عبارتی پس از «ا.ع: ...» درج شود به این معناست که این اصطلاح، اعم از اصطلاح مورد بحث در سطر یا سطرهای قبل است، و اصطلاح مورد بحث در سطرهای قبل، اخص است. منظور از اعم در اصطلاح‌نامه، اعم از رابطه کلی و جزئی و کل و جزء است. برای نمونه، از دو واژه «ایرانی» و «تهرانی» اولی اعم و دومی اخص است و هر دو کلی‌اند؛ و نیز از دو واژه ایران و تهران، اولی اعم و دومی اخص است؛ در حالی که رابطه این دو، از نوع رابطه کل و جزء است، نه کلی و جزئی.

«ا.خ» = «اصطلاح اخص».

«ا.و» = «اصطلاح وابسته». هرگاه واژه یا عبارتی پس از «ا.و: ...» بیاید به این معناست که این اصطلاح، نوعی وابستگی با اصطلاح مورد بحث در سطر یا سطرهای پیشین دارد و نوع وابستگی آن از نوع مترادف، اعم و اخص نیست. مانند:

اهدات شرط

بیج: حرف شرط

حروف شرط

ا.ع: رابطه متصله

ا.خ: ادات شرط ایجابی

ادات شرط سلبی

ا.و: ادات جزاء

روشن است که ادات جزاء هر چند هیچ یک از نسبت‌های اعم و اخص و مترادف با ادات شرط را ندارد، این دو به نوعی به هم وابسته‌اند.

نمایش الفبایی

در نظام الفبایی، اصطلاحات یک علم به صورت الفبایی گردآوری می‌شوند و رابطه اعم، اخص، مترادف و وابسته هر اصطلاحی با اصطلاح دیگر نشان داده می‌شود. در تعیین اصطلاح اعم یا اخص در نمایش الفبایی، تنها اعم‌ها یا اخص‌هایی نشان داده می‌شوند که بی‌واسطه، اعم یا اخص از اصطلاح مورد بحث باشند. برای نمونه:

عکس مستوی

ا.ع: عکس (قضیه)

ا.خ: عکس مستوی قضیه حملیه

عکس مستوی قضیه شرطیه

ا.و: احکام عکس مستوی

روشن است که اصطلاح «مناسبات قضایای محصوره» که عنوان عام‌تر از اصطلاح «عکس» است به عنوان اعم اصطلاح «عکس مستوی» ذکر نمی‌شود؛ زیرا اعم با واسطه است و نیز اصطلاح «عکس مستوی حملیه سالبه» به منزله اخص «عکس مستوی» ذکر نمی‌شود؛ زیرا اخص با واسطه است.

نظام الفبایی اصطلاح‌نامه، ساده‌ترین و در عین حال ضروری‌ترین روش دست‌یابی به یک اصطلاح و رابطه آن با مترادف‌ها، وابسته‌ها و اصطلاحات عام و خاص بی‌واسطه است. در این شیوه می‌توان:

۱. به هر اصطلاح و اطلاعات مربوط به آن، از طریق حروف الفبایی یافت؛

۲. به اجمال، تنها با دانستن نام یک اصطلاح می‌توان به جایگاه آن در علم پی برد.

نمایش نظام یافته

در نمایش الفبایی، تمام روابط یک اصطلاح با اصطلاحات دیگر بررسی نمی‌شود و تنها به مترادف‌ها و وابسته و عام بی‌واسطه و خاص بی‌واسطه اکتفا می‌شود، و در این نمایش از اعم‌های باواسطه تا موضوع خود علم و اخص‌های باواسطه تا خاص‌ترین اخص خبری نیست. برای رفع این نقیصه، نمایش نظام یافته طراحی شده است. اصطلاح‌نامه منطق، در توضیح نمایش نظام یافته آورده است:

بخشی از اصطلاح‌نامه است که در آن، نمایش اصطلاحات از عام‌ترین اصطلاح به خاص‌ترین آن صورت می‌گیرد؛ البته مترادف‌ها و وابسته‌ها نیز در آن نمودار می‌گردد. در این نظام می‌توان:

الف. به کلیه تقسیم‌های شاخه‌های اصلی و فرعی علم منطق یک جادست یافت؛

ب. به منشأ و جهات تقسیم‌های یک شاخه از طریق عبارت راهنما علم پیدا کرد.

ابهامی که در این توضیح وجود دارد این است که هرگاه در نمایش نظام یافته، اصطلاحات مترادف و وابسته‌ها و اعم و اخص‌ها به کلی ذکر می‌شوند، علی‌القاعده باید در نمایش نظام یافته تمام اصطلاحات گردآمده در نظام الفبایی یافت شود، نه بخشی از آن. گویا تنها پاسخی که می‌توان برای رفع این ابهام داد این است که در نمایش نظام یافته، مترادف‌های اصطلاحات وابسته ذکر نمی‌شود. بنابراین، تعداد واژه‌هایی که در نمایش نظام یافته ذکر می‌شود، کمتر از تعداد واژه‌هایی است که در نمایش الفبایی معرفی می‌شود.

پرسشی که در روش نمایش نظام یافته مطرح می‌شود این است که آیا آوردن مترادف‌ها ضرورتی دارد یا خیر. پاسخ به این پرسش از این روی اهمیت دارد که در نظام الفبایی مترادف‌ها ذکر می‌شود، و در آنجا تعیین می‌شود که کدام یک از اصطلاحات مرجع هستند. بنابراین، ارزش نشان دادن جایگاه یک اصطلاح نامرجع در نمایش نظام یافته، محل تردید است. اگر ارزش نشان دادن مترادف‌ها مورد تأیید قرار گیرد، در این صورت حذف مترادف‌های وابسته بی‌وجه می‌نماید. افزون بر این، مترادف‌ها سطرهای زیادی از اصطلاح‌نامه را اشغال می‌کنند و حال آن که، یک بار مترادف‌ها در نمایش الفبایی ذکر شده‌اند. برای نمونه، مترادف‌های اصطلاح «برهان» در بخش الفبایی یازده سطر را اشغال کرده است و مترادف‌های همین اصطلاح در نمایش نظام یافته همین

یازده سطر را اشغال کرده است.

نمایش ترسیمی

در این روش، تنها اصطلاحات مرجح و داخل در سلسله مراتب علم (اعم و اخص) نمایش داده می‌شود و به ازای هر مرحله‌ای از اخص‌ها نقطه‌چین یا خطوط بریده گذاشته می‌شود. در این روش می‌توان:

۱. ساختار کلی علم را از اعم به اخص، به شکل درختی به دست آورد؛
 ۲. رده‌های اصلی هر اصطلاح و اخص‌های آن را به سرعت بازیابی کرد.
- تنها تفاوت نمایش نظام‌یافته و نمایش ترسیمی در این است که مترادف‌های نامرجح و وابسته‌ها حذف می‌شوند.

ساز و کار تدوین اصطلاح‌نامه منطقی

برای اینکه اصطلاح‌نامه منطقی شکل بگیرد، باید رده‌های کلی علم منطقی را شناسایی کنند و اصطلاح مورد نظر را در یکی از این رده‌های کلی قرار دهند، سپس مجموع اصطلاحات هر رده را به صورت عام، خاص، وابسته و مترادف تنظیم کنند.

۱. رده‌های علم منطقی در اصطلاح‌نامه منطقی

در اصطلاح‌نامه منطقی، برای این علم شش رده اصلی در نظر گرفته شده است (ص ۲۸). قبل از بررسی رده‌های پیشنهادی باید به یاد آورد که تعیین رده‌ها یک امر قراردادی است؛ اما باید توجه داشت این قراردادها ریشه در واقعیت‌هایی در درون آن علم دارند. از این روی، و به منزله یک اصل، اگر رده‌ها با آنچه در علم می‌گذرد تنظیم شود، قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد؛ هرچند، گاه روابط منطقی اقتضا می‌کند که از این اصل فاصله بگیریم. تذکر اصطلاح‌نامه منطقی به «نظرات مشهور عالمان منطقی در دست‌یابی به رده‌های اصلی علم منطقی» در مقدمه اصطلاح‌نامه منطقی، خود گواه بر اصل پیش گفته است.

رده‌های اصلی اصطلاح‌نامه منطقی عبارت‌اند از:

۱. الفاظ؛ ۲. دلالات؛ ۳. مفهوم؛ ۴. معرف؛ ۵. قضایا؛ ۶. حجت.

آیا انتخاب شش رده بالا با واقعیت علم منطقی هم‌خوانی دارد؟

به نظر می‌رسد هرچند انتخاب رده‌های اصلی، امری قراردادی است و طبق قرارداد منطقی می‌توان همه اصطلاحات را در یکی از این شش رده جای داد، ولی اندراج همه اصطلاحات منطقی

در یکی از شش رده جای تأمل دارد و بهتر آن بود که رده‌ها تکثیر می‌شدند. تأملات زیر از دقیق نبودن رده‌ها نشان دارد:

۱. طبق این پیشنهاد می‌باید هر اصطلاحی را در یکی از رده‌ها یافت. محض نمونه «معقولات ثانیه منطقی» را در نظر می‌گیریم. اصطلاح‌نامه ا.ع «معقولات ثانیه» و ا.ع «معقولات ثانیه» را «تصور» و ا.عم تصور را «علم حصولی» و ا.عم آن را «علم» دانسته است و چیزی ا.عم از علم نیاورده است؛ و ا.و علم را «منطق» قرار داده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در بخش نمایش الفبایی پیشنهاد می‌کند که در نمایش نظام یافته، معقولات ثانیه باید از وابستگان «علم» باشد. حال علم در چه رده‌ای از رده‌های اصلی شش گانه به شمار می‌آید؟ ظاهراً در هیچ یک از رده‌ها نمی‌گنجد، و اتفاقاً این اصطلاح در بخش نمایش نظام یافته فرهنگ‌نامه، تا آنجا که نگارنده تفحص کرده است، جایگاهی ندارد. به نظر می‌رسد می‌باید «معقولات ثانیه منطقی» ا.و خود «منطق» باشد؛ چرا که موضوع منطق معقولات ثانیه منطقی است.

بر اساس رده‌های پیشنهادی اصطلاح‌نامه نقض‌المحمول، عکس، و تناقض در قضایا زیرمجموعه قضایا به شمار می‌آیند، در حالی که انتظار می‌رود این عناوین زیرمجموعه استدلال‌های مباشر به شمار آیند و استدلال‌های مباشر خود رده اصلی شمرده شوند، یا استدلال را یک رده قرار می‌دادند و حجت و استدلال‌های مباشر را زیرمجموعه استدلال می‌کردند؛

۲. انتخاب رده‌های شش گانه متناسب با ساختار کتب منطقی نیست. حجمی که کل مباحث الفاظ، دلالات، مفاهیم و حتی معرف را اشغال می‌کند، با گستره‌ای که فقط مبحث حجت دارد قابل قیاس نیست. بنابراین، چگونه می‌توان صناعات پنج گانه با حجم وسیع را زیرمجموعه رده حجت به شمار آورد و مفاهیم یا دلالات را با حجم بسیار کم آن، رده‌ای مستقل دانست؟! در حالی که رده حجت از ساختار صوری انواع استدلال بحث می‌کند و صناعات خمس بیشتر از ساختار مادی و مبادی آنها.

ب. نمایش الفبایی

کار اصلی اصطلاح‌نامه، در نمایش الفبایی جلوه یافته است؛ به گونه‌ای که نمایش نظام یافته و نمایش ترسیمی، بازتابی از این کار به شمار می‌آید. اما با همه تلاش‌هایی که در این بخش صورت گرفته، در بعضی موارد محتوای کار به لحاظ علمی نواقص جدی‌ای دارد که شایسته است در ویرایش‌های بعدی اصلاح شوند. محض نمونه، مواردی را به صورت اتفاقی انتخاب شده‌اند، گزارش می‌دهیم:

مشروطه عامه

ا.ع: ضروریه مشروطه

ا.خ: مشروط دائم

ا.و: ضرورت وصفی

آیا واقعاً «ضروریه مشروطه»، اصطلاحی است که منطق دانان به کار برده‌اند؟! وانگهی، آیا مشروط دائم، اخص مشروطه عامه است؟ یعنی آیا امر غیر ضروری می‌تواند اخص - یعنی مصداقی از - ضرورت باشد؟

صدق

ا.ع: صفات قضیه خبریه

ا.و: صدق قیاس

اولاً، «صفات قضیه خبریه» اصطلاح منطقی به نظر نمی‌رسد. این عبارت، عنوانی است که بیان‌کننده حکم یک اصطلاح است. می‌دانیم هر اصطلاحی ممکن است احکامی داشته باشد، و اضافه حکم یا صفت به آن اصطلاح را نباید اصطلاح دیگری تلقی کرد؛ ثانیاً، چرا صفات قضیه به «خبریه» مقید شده است؟ مگر قضیه غیر خبری هم داریم؟ جمله‌های انشایی در منطق قضیه نیستند، و قضیه، مساوی با جمله‌های خبری است؛ ثالثاً، بهتر آن است که بر اساس تقسیم قضیه به صادق و کاذب، صدق را وابسته به قضیه صادق قرار دهیم و بالعکس؛

رابعاً، صدق وصف قضیه به اعتبار مطابقت آن با محکی آن است. بنابراین، صدق در قیاس بی‌معناست و اگر منطق دانان احیاناً صدق را وصف قیاس قرار داده باشند، صدق در قیاس به معنای معتبر بودن است نه صدق به معنای مطابقت با محکی. بنابراین، صدق مشترک لفظی است و روشن است که اشتراک لفظی‌ها وابسته یکدیگرند.

صناعات خمس

ا.ع: حجت

صناعات خمس، عنوانی است که پنج بخش منطق را در بر می‌گیرد، و عنوان حجت به اشتراک در لفظ دو معنا دارد:

۱. مبحث حجت که در آن قواعد و قوانین مختلف استدلال‌های قیاسی، استقرایی و تمثیلی را

بررسی می‌کند؛

۲. مصداق یک استدلال قیاسی یا استقرایی یا تمثیلی.

اگر مراد از حجت که اعم از صناعات خمس قرار داده شده، معنای اول باشد، باید گفت رابطه این دو تباین است؛ زیرا مبحث حجت از مجموعه قواعد صوری استدلال بحث می‌کند و مبحث صناعات خمس از قوانین حاکم بر ماده استدلال بحث می‌کند و این دو مبحث از هم بیگانه‌اند. اگر مراد از حجت معنای دوم باشد - یعنی مصداق یک استدلال قیاسی یا استقرایی یا تمثیلی باشد - پر واضح است که مبحث صناعات خمس با مصداقی از مبحث حجت رابطه‌ای ندارد. ممکن است گفته شود مراد از صناعات پنج‌گانه مصداقی از استدلال برهانی یا جدلی و ... است، ولی هر چند نمی‌توان صنعت را که مجموعه مسائل ناظر به موضوعی است عین مصداق آن مسئله دانست، باز در این صورت هم میان آنها تباین است؛ زیرا در مبحث حجت از حیثیت صوری استدلال‌ها بحث می‌شود و در مبحث صناعات پنج‌گانه از حیثیت مادی آنها، و بسیار روشن است که جهت صوری یک استدلال غیر از جهت مادی آن است و نمی‌توان جهات مختلف را عین هم دانست یا یکی را عام‌تر از دیگری قرار داد.

برهان (صناعت)

بج: برهان منطقی

قیاس برهانی

قیاس حق

قیاس یقینی

ا.خ: برهان ان

و تمام ده‌اخص دیگر از قبیل برهان اولی، برهان ایجابی

ا.و: صورت برهان

قیاس غیر برهانی

ماده برهان

مقول بر کل (برهان)

ملکه برهان

روشن است که مدخل مورد نظر «صناعت برهان» است که مجموع مسائل برهانی را شامل

می‌شود، و قوانین کلی و اقسام برهان را بررسی می‌کند. از این روی، "قیاس برهانی"، "برهان یقینی"، "قیاس حق" و "قیاس یقینی" مترادف‌های نامرجح آن نیستند؛ زیرا این اصطلاحات ناظر به یک استدلال در یک ماده خاص است که مصداقی از برهانی است که در علوم آورده می‌شود. مثلاً: «اگر ممکنات موجود باشند واجب الوجود موجود است و لیکن ممکنات موجودند پس واجب الوجود موجود است» برهانی است که "قیاس برهانی" یا "قیاس حق" یا "قیاسی یقینی" بر آن صادق است، در حالی که این برهان اصلاً در صناعت برهان بحث نمی‌شود. به عبارت دیگر، همان‌گونه که کلی به اشتراک در لفظ سه اصطلاح دارد، کلی منطقی، کلی عقلی و کلی طبیعی؛ برهان هم به اشتراک در لفظ سه اصطلاح برهان منطقی، برهان عقلی و برهان طبیعی دارد، و افزون بر این اصطلاح چهارمی دارد و آن برهان به معنای مبحث برهان است که اصطلاحاً "صنعت برهان" یا "کتاب برهان" می‌نامند. بنابراین در اصطلاح‌نامه منطق که "برهان منطقی" و سه اصطلاح دیگر، که به عنوان "بیج" برهان (صناعت) معرفی شده‌اند، می‌تواند اصطلاح وابسته به برهان (صناعت) باشد، و نیز یازده اصطلاحی که به منزله‌ی اخص معرفی شده‌اند، اخص برهان «طبیعی» هستند نه اخص برهان «صناعت» و سه اصطلاح "قیاس غیر برهان"، "مقول بر کل (برهان)" و "ملکه برهان" وابسته برهان طبیعی هستند، نه اصطلاح وابسته برهان (صناعت).

قیاس مقسم

ا.و: استقرای تام

در حالی که استقرای تام عین قیاس مقسم یا قسمی از قیاس مقسم است (العجوه والنضید، ص ۱۷۴ و ۱۸۸). بنابراین دست کم باید استقرای تام اخص قیاس مقسم قرار می‌گرفت.

کلی عقلی / کلی طبیعی / کلی منطقی

ا.ع: کلی

اصطلاح‌نامه کلی را اعم هر یک از سه اصطلاح "کلی عقلی"، "کلی طبیعی" و "کلی منطقی" قرار داده است، در حالی که اطلاق کلی بر کلی طبیعی، کلی عقلی، و کلی منطقی به اشتراک در لفظ است، و این سه عنوان جامع ندارند تا هر یک از آنها اخص کلی باشند.

معلوم تصویری

بک: معرف

در حالی که معرف از نظر منطقی قول، و مرکب از دو تصور است، و عنوان "معلوم تصویری" شامل تصورات مفرد و مرکب هر دو می‌شود، و بر فرض عنوان معرف شامل تصور مفرد هم بشود - که بعضی گمان کرده‌اند مفردات هم می‌توانند معرف واقع شوند هرچند این گمان مقبول نیفتاده است - ولی روشن است که این ادعا هر تصور مفردی را شامل نمی‌شود، بلکه خصوص آن نوع مفرداتی را در بر می‌گیرد که فصل یا خاصه باشند. بنابراین معلوم تصویری، اعم از معرف خواهد بود و نمی‌توان معرف را اصطلاح راجع آن قرار داد.

انتظارات

انتظار می‌رود اصطلاحات کلیدی منطق، در اصطلاح‌نامه منطق یافت شود، در حالی که اصطلاحات زیر در بخش نمایش القابیی اصطلاح‌نامه به چشم نمی‌خورد:

الواجب قبولها	الأذعان	مأخذ ثانی
ضرورت صدق	صدق ضروری	مأخذ اول
صعوبة الحد	سألة المحمول	سألة الموضوع
سألة الموضوع و المحمول		

کسب و جاهت و اعتبار

یک اصطلاح‌نامه برای کسب اعتبار در میان متخصصان و آشنایان در یک فن، لازم است به گونه‌ای مطالبش را ارائه دهد که سبب شک و تردید آنان را فراهم نسازد. از این روی، ذکر منبع یا منابع در مدخل‌ها امری ضروری است. ذکر منبع، همچون شمشیر دو لبه است؛ یعنی هم می‌تواند بر اعتبار یک اصطلاح‌نامه بیفزاید و هم از اعتبار آن بکاهد؛ زیرا ذکر منبع، متخصص یا آشنای به فن را که در اصطلاح بودن یک مدخل شک دارد، به تکاپو وامی‌دارد تا منبع مذکور را بررسی کند و دریابد که مدخل مزبور اصطلاح است یا نیست؛ و در هر دو صورت شک او بر طرف شده، نظر او در تأیید یا عدم تأیید اصطلاح‌نامه فزونی می‌یابد. محض نمونه، این جانب، به منزله فردی نسبتاً آشنا به علم منطق تردید دارم که آیا "قضیه مبدله" به منزله بیج "عکس" قابل قبول است یا خیر، و آیا "کلی غیر مشترک" و "کلی واجب‌المصداق" اولی بیج دومی و دومی بک اولی است یا خیر؟ و از طریق اصطلاح‌نامه نمی‌توانم راه به جایی ببرم تا این شک و تردید را برطرف سازم.

ج. نمایش نظام یافته و ترسیمی

در بخش الفبایی، کاربرد حداکثر با یک ابع بی واسطه یا ابع بی واسطه یک اصطلاح رو به رو می شود. اما نیاز به دانستن و نشان دادن همه اعم های با واسطه و بی واسطه و همه اخص های با واسطه و بی واسطه سبب می شود نمایش نظام یافته و ترسیمی نیز در کنار نمایش الفبایی آورده شود. (از سوی دیگر، دو اصطلاح هم عرض که از عامشان با قیدی تقسیم شده اند، در نمایش الفبایی به صورت ا. و دیده می شود و آن نمایش نشان نمی دهد که این دو وابسته هم عرض اند و دو قسم از ا.ع هستند؛ و طبعاً این تقیصه باید در نمایش نظام یافته یا ترسیمی بر طرف شود.)

اما متأسفانه تنظیم نمایش نظام یافته و ترسیمی، به گونه ای است که کاربرد نمی تواند مطلوب خود را به درستی بیابد. مثلاً "برهان ان" را چگونه می توان در نمایش نظام یافته و ترسیمی با همه اعم ها و اخص ها و وابسته ها و هم عرض های مرتبط به هم و هم عرض های غیر مرتبط به هم یافت؟ طبق پیشنهاد نظام الفبایی اصطلاح نامه منطق "برهان ان" به ترتیب در ذیل منطق، حجت و برهان یافت می شود. هم عرض های مطرح شده به ترتیب الفبایی عبارت اند از: (به لحاظ...) برهان اولی، برهان ثانوی، (به لحاظ...) برهان ایجابی، برهان سلبی، (به لحاظ...) برهان بر محسوس، برهان بر معقول، (به لحاظ...) برهان جزئی، برهان کلی، برهان لم. در جایی که عبارت (به لحاظ...) ذکر شود نشان می دهد هم عرض ها با هم مرتبط اند؛ اما اگر دو هم عرض این عنوان را نداشته باشد، آیا با هم مرتبط اند یا مرتبط نیستند؟ مثلاً "برهان ان" با هر یک از هم عرض هایش ارتباط دارد یا خیر؟ و آیا آخرین هم عرض، که برهان لم باشد، با "برهان ان" هم عرض مرتبط است یا خیر؟ و آیا "برهان لم" با "برهان کلی" هم عرض مرتبط است یا خیر؟

از طرفی دیگر، نمایش نظام یافته یا ترسیمی، سطرهای پرشماری را به خود اختصاص می دهد که این امر سبب می شود هم عرض ها با فاصله چند سطر ذکر شوند و چه بسا در این موارد هم عرض بودن مورد توجه قرار نگیرد؛ به خصوص اگر هم عرض ها به جهت داشتن زیر مجموعه های پرشمار در دو یا چند صفحه ذکر شوند.

د. منابع

۱. انتظار متخصص هر فنی و نیز کسانی که تا حدودی آشنای به فن هستند این است که اصطلاح نامه آن فن از منابعی استفاده کند که به لحاظ علمی معتبر باشند. از این روی:

۱. ذکر کتاب های رده پایین، در کنار کتاب هایی که در رده اول یا دوم یک فن قرار دارند، زینده

نیست. از این روی، کتاب‌های زیر به عنوان منابع کتب منطقی قابل قبول نیستند:

مغالطات	فرهنگ اصطلاحات منطقی	منطق صوری
فرهنگ علوم عقلی	فرهنگ فلسفی	اشکال‌المیزان
خلاصه المنطق	منطق مقارن	آشنایی با علوم اسلامی

۲. عدم ذکر کتبی که در رده اول و دوم قرار دارند، ناخوشایند است؛ اما متأسفانه کتاب‌های زیر در شمار منابع فرهنگ‌نامه منطق به چشم نمی‌خورند:

تعديل المعيار في نقد تنزیل الافكار (خواججه طوسی)

كشف الاسرار عن غوامض الافكار (خونجی)

بيان الحق ولسان الصدق (ارموی)

الجدید فی الحکمة (ابن کمونه)

الانارات فی شرح الاشارات (فخر رازی)

الاسرار الخفية (علامه حلی)

التواعد الجليلة (علامه حلی)

منطق الملخص (فخر رازی)

منطق المطارحات (شیخ اشراق)

شرح حکمة الاشراق (قطب شیرازی)

گفتنی است، چاپی نبودن بعضی از این منابع، نمی‌تواند عذری برای مجموعه‌ای باشد که دست به چنین کار بزرگی می‌زند.

ب) ذکر کتاب به عنوان منبع اصطلاح‌نامه منطق و عدم استخراج اصطلاحات به کار رفته در آن، به هیچ روی موجه به نظر نمی‌آید. از این روی، با آوردن کتاب *مغالطات* به منزله یکی از منابع تحقیق، ما باید با شمار وسیعی از مغالطاتی که در کتب اصیل منطق اسلامی یافت نمی‌شود مواجه باشیم، در حالی که در اصطلاح‌نامه این نوع مغالطات مطرح نشده است. با توجه به این نکته، معلوم می‌شود که نمی‌توان *الأسس المنطقية* را نیز از منابع اصطلاح‌نامه منطق قرار داد؛ زیرا اصطلاحات جدید این کتاب ذکر نشده‌اند.

ج) اگر قرار باشد فرهنگ‌نامه‌ها یا دائرةالمعارف‌ها جزو منابع اصطلاح‌نامه منطق باشند، طبعاً فرهنگ‌نامه یا دائرةالمعارف‌های معتبر گزینش خواهند شد، نه هر فرهنگ‌نامه یا دائرةالمعارفی.

از این روی، جای فرهنگ‌نامه یا دائرةالمعارف‌های زیر به منزله منبع اصطلاح‌نامه منطق خالی است:

الالفاظ المستعملة (فارابی)

رسالة الحدود (ابن سینا)

رسالة الحدود (جرجانی)

کشف اصطلاحات الفنون والعلوم (تهانوی)

دستور العلماء

- د) معرفی نادرست بعضی منابع، یکی از مشکلات فهرست منابع اصطلاح‌نامه منطق است:
۱. صدر المتألهین کتاب منطقی مختصری دارد که با دو نام *اللمعات المشرقية* و *التنقیح* چاپ شده است. این کتاب را عبدالمحسن مشکوة‌الدینی ترجمه و شرح کرده است و مجموع متن و ترجمه و شرح را با عنوان *منطق نوین* چاپ کرده است. بنابراین، نباید کتاب منطقی صدر المتألهین را *منطق نوین* قرار دهیم و مترجم آن را مشکوة‌الدینی معرفی کنیم.
 ۲. کاتبی قزوینی رساله‌ای در منطق نگاشته که به *الشمسیه* معروف است و قطب‌الدین رازی آن را شرح کرده و میر سید شریف جرجانی بر شرح *الشمسیه* حواشی و تعلیقاتی دارد. این در حالی است که در فهرست منابع اصطلاح‌نامه منطق، مؤلف *شرح الشمسیه* کاتبی قزوینی معرفی شده و محقق *شرح الشمسیه* را علی بن محمد سید شریف جرجانی معرفی کرده‌اند.
 ۳. در نام کتاب‌ها دقت‌های لازم به کار نرفته است. *الاشارات* و *التنبیها* به صورت *اشارات* و *تنبیها* درج شده است، و *النجاة* به صورت *النجات*.

پیشنهادات

۱. پیشنهاد می‌شود علم منطق را به جای شش رده به دوازده رده تقسیم کنیم تا رده‌ها با آنچه در منطق می‌گذرد تا حدودی مطابق آید؛ واقعیت امر این است که منطق از قرن هفتم به بعد، به سه بخش تقسیم شده است: بخش مقدماتی یا مدخل که در آن، تقسیم علم به بدیهی و نظری، موضوع منطق، دلالت و مفهوم بحث می‌شود و دو بخش دیگر منطق تعریف و منطق استنتاج است؛ و بخش استنتاج خود زیر مجموعه‌هایی دارد:

۱. مباحث مقدماتی که همان رده قضایا و استدلال‌های مباشر است؛

۲. جهت‌گیری استدلال که همان مباحث حجت است؛

۳. جهت مادی استدلال که همان صناعات خمس است.

با مراجعه به کتب مدون در علم منطق، هر یک از این امور جداگانه بحث شده‌اند و از این روی، بهتر است رده‌های اصطلاح‌نامه منطق به ترتیب زیر باشد:

۱. علم	۴. مفهوم	۷. حجت	۱۰. خطابه
۲. دلالت	۵. قضایا	۸. برهان	۱۱. شعر
۳. معرف	۶. استدلال مباشر	۹. جدل	۱۲. مغالطه

در این پیشنهاد رده الفاظ حذف شده است؛ زیرا مبحث الفاظ و مبحث دلالت از یکدیگر جدا نیستند و از همین روی، یا باید رده دلالت را حفظ و رده الفاظ را حذف کرد یا به گونه عکس عمل کرد؛ یعنی رده الفاظ را حفظ و رده دلالت را حذف کرد.

۲. در نظام الفبایی پیشنهاد می‌شود در سمت چپ ستون مدخل‌ها ستون کوچکی باز شود، و به ازای هر مدخل، منبع آن مدخل ذکر شود. گفتنی است مدخل‌ها منابع مختلفی دارند، و از این روی، در این ستون فقط یکی از منابع اصیل‌تر یا یکی از منابع معتبر، که فراوان‌تر و در دسترس‌تر است، ذکر می‌شود. برای عملی شدن این پیشنهاد منابع باید کدگذاری یا شماره‌گذاری شوند و در ستون منبع ابتدا شماره کتاب منبع مورد نظر یا کد آن ذکر شود و پس از آن با خط فاصل مورب صفحه مورد نظر قید شود. مثلاً به جای اینکه بنویسیم *النجاة* / ۲۲، می‌نویسیم ۲۲/۵. شماره ۵ نشانه کتاب *النجاة* است.

۳. اگر روش نمایش نظام‌یافته یا نمایش ترسیمی را تغییر دهیم، می‌توانیم با روش جدید هر دو بخش را در هم ادغام کنیم و در این صورت، صفحات نمایش بسیار کم خواهد شد و در عین حال کاملاً به اهداف نمایش نظام‌یافته و نمایش ترسیمی خواهیم رسید.

پیشنهاد می‌شود نمایش نظام‌یافته را به صورت خطی شاخه‌ای از خود منطق شروع کنیم؛ اخص‌های اولیه آن را ذکر کنیم و اخص هر یک از این اخص‌های اولیه را به صورت شاخه درختی با خطوط ممتد ترسیم کنیم و اصطلاح وابسته هر یک از این اخص‌ها را به صورت شاخه درختی با خطوط مقطوع یا به صورت نقطه‌چین ارائه دهیم. در این روش، تمام اصطلاحات اعم و اخص و وابسته ذکر می‌شوند، و تنها اصطلاحات نامرجع ذکر نمی‌شوند؛ و به نظر می‌رسد لزومی برای نمایش آن نباشد؛ زیرا اصطلاحات نامرجع در نظام الفبایی نشان داده شده است.

طبق پیشنهاد، صفحه اول نمایش نظام یافته ما به صورت زیر خواهد بود:

